



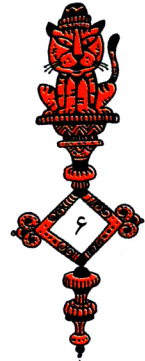
# قصه‌ها مثل شد

نویسنده: محمد میرکیانی

جلد پنجم

هرگونه استفاده تصویری و نمایشی از این اثر وابسته به اجازه کتبی از ناشر و نویسنده است.





## قصه‌های مثل در این کتاب:

- ۸ ..... قصه ما مثل شد
- ۱۱ ..... بزغاله برادر
- ۱۶ ..... بوق حمام
- ۲۱ ..... پای مرغ
- ۲۶ ..... پسر آهنگر
- ۳۱ ..... خرس و شکارچی
- ۳۶ ..... خر نادان
- ۴۲ ..... خنده مردم
- ۴۶ ..... دروغ آسمانی
- ۵۱ ..... دزدان و مسافر
- ۵۶ ..... روباه و شتر
- ۶۰ ..... ریسمان شیطان
- ۶۴ ..... ستون دوم
- ۶۷ ..... سنگ ترازو



- ۷۱ .....سگ و الاغ
- ۷۵ .....شام عروس
- ۸۰ .....شیشه و پنیر
- ۸۵ .....شعر شاه
- ۹۰ .....غذای گربه‌ها
- ۹۴ .....غلام و دریا
- ۹۹ .....نقش شیر
- ۱۰۴ .....نوکر حاکم
- ۱۰۹ .....مهر حیوان
- ۱۱۵ .....منابع



## قصه ما مثل شد

در سرزمین ما ایران قصه‌های خواندنی و دلپذیر که از روزگاران گذشته به یادگار مانده بسیار است؛ ولی قصه‌هایی که مَثَل شده‌اند، طعم و مزه دیگری دارند. این قصه‌های شیرین و شنیدنی، سرگذشت و زندگی‌نامه بعضی از مثل‌هاست. با این حال هیچ کس نمی‌داند قصه‌مثل‌ها از کجا آمده‌اند، هرچند که بعضی از این قصه‌ها سرگذشت روشنی دارند. در این میان، قصه‌هایی از مَثَل‌ها هستند که از زندگانی بزرگان دین ما سرچشمه گرفته‌اند. مانند ضرب المَثَل پنبه را از گوش بیرون آوردن. دسته‌ای دیگر از قصه‌مثل‌ها از میان آثار شاعران نامدار و بزرگان ادب ایران زمین سر در آورده‌اند و میان مردم راه پیدا کرده‌اند. مثل ضرب المَثَل قدر عافیت کسی داند که به مُصیبتی گرفتار آید. دسته‌ای دیگر از این قصه‌ها و حکایت‌ها در شب‌های بلند زمستان بر زبان پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها جاری شده‌اند که هیچ کس نام و نشان آنها را نمی‌داند مثل ضرب المَثَل یک خِشت هم بگذار دَرش. به هر حال آدم‌ها، ماجراها، فضاها و آن‌چه که در این قصه‌ها گفته و شنیده می‌شود هیچ وقت از یادمانی روند؛ ولی خوب است بدانیم که قصه‌مثل‌ها فقط برای سرگرم شدن گفته نمی‌شوند. با خواندن یا شنیدن قصه‌مثل‌ها ما با باورها، آرزوها، شادی‌ها و غم‌ها و شکست‌ها و پیروزی‌های مردم این سرزمین بیشتر و بهتر آشنا می‌شویم. نکته‌ای که امروزه پژوهشگران از آن به عنوان ارزش «مردم‌شناسی» این قصه‌ها یاد می‌کنند.

باری... من در باز نویسی قصه‌مثل‌ها به چند نکته توجه داشته‌ام؛ حال این که تا چه اندازه در این راه موفق بوده‌ام بستگی به رضایت شما - که خواننده این کتاب هستید - دارد:



یک - با این که قصه‌ها از کتاب‌ها و منابع گوناگون انتخاب شده‌اند، سعی کرده‌ام پرداخت آنها یک دست، روان و نزدیک به هم باشند.

دو - تلاش کرده‌ام موضوع و فضای قصه‌های انتخاب شده مناسب حال و هوای نوجوانان باشد.

سه - ساختمان بعضی از قصه‌ها به قول قصه‌نویس‌ها بسیار ساده بود. من کوشیده‌ام این قصه‌ها همان طور که بوده‌اند، بمانند و بیشتر پرداخت داستانی شوند تا خواندنی‌تر شوند؛ مثل ضرب المثل **گلاهِ آب بُرده به سر صاحبش گشاد بود**.

چهار - زبان قصه‌ها را به زبان گفتاری نزدیک‌تر کرده‌ام تا اگر خواستید بتوانید آنها را برای دیگران هم قصه‌گویی کنید.

پنج - برای هر قصه یک اسم انتخاب کرده‌ام تا از همان اوّل موضوع قصه پیدا نباشد و ماجراهای قصه را تا آخر دنبال کنید. در پایان هر قصه، موضوع آن و چگونه استفاده کردن از آن در زبان گفتاری ما آمده است.

و حرف آخر... در خواندن و شنیدن هر مثل و قصه آن باید دانست که به قول قدیمی‌ها در مثل مناقشه نیست. یعنی این که ضرب المثل‌ها برای آن درگفتارهای ما به کار می‌آیند تا ما راحت‌تر بتوانیم با هم حرف بزنیم و آن چه را که در ذهن داریم به آسانی بیان کنیم. پس اگر فضای قصه‌ای از قصه‌مثل‌ها برای ما دور و عجیب آمد به پیام آنها فکر کنیم نه ماجراهایی که در قصه روی داده است. مثل قصه‌های سبزی نداشت و السلام یا دعا کن پدرت بمیرد یا دیدی چه به روزم آمد، قوزی بالا قوزم آمد. چون در مثل مناقشه یا جای ستیز و جنگ نیست!

به هر حال امیدوارم پُرگویی نکرده باشم. این حرف‌ها به آن دلیل گفته شد که احساس کردم پیش از آن که صد و ده قصه مثل را بخوانید بد نیست بعضی چیزها را هم در این باره بدانید.

حالا این شما و این هم قصه مثل‌ها...

شهر یور هشتاد و یک تا شهر یور هشتاد و دو هجری شمسی

